

## MAHDAVIAT-IRI'S HOPE OR DESPAIR

<http://www.ghandchi.com/458-Mahdaviat-plus.htm>



### مهدویت-امید یا ناامیدی جمهوری اسلامی

سام قندچی

چگونه میتوان از معتقدین مهدویت در قدرت بود و هنوز برای مهدویت کار کرد، این معمائی است که آیت الله مصباح یزدی در ایران حل کرده است. در همایش دکترین مهدویت آقای مصباح میگوید دوران بازگشت حضرت مهدی به این معنی نیست که همه چیز بایستی قبلاً شیطان شده باشد، بلکه برای رسیدن به حکومت مهدی بایستی سعی کرد جامعه را اسلامی تر و اسلامی تر کرد (لطفاً به گزارش ضمیمه در انتهای مقاله رجوع کنید).

همه این حرفها ممکن است که متضاد با اعتقادات بسیاری از شیعیان و گروه های دیگر معتقد به آخر زمان و صحرائی محشر جلوه کند، یعنی اعتقاداتی که اینگونه گروه ها وقتی در قدرت نیستند، دارند، و آرزوی دوران طلانی آینده در پی نابودی وضع موجود را دارند. البته شاید آیت الله مصباح یزدی مثل برخی از همتایان خود در میان millenarianist میلناریانیست های مسیحی بتواند بگوید که بین حاکمیت مهدی و آخر زمان، و البته قبل از رسیدگی به اعمال بندگان در صحرائی محشر، یک دوره کوتاهی برای جنگ مهدی موعود با شیطان وجود خواهد داشت.

در آینده ما بیشتر و بیشتر درباره اینگونه معماهای الهیات که در بالا ذکر کردم خواهیم شنید و مطمئن هستیم راه حل مقدماتی آیت الله مصباح یزدی برای وفق دادن حضور در بالاترین رده های قدرت در ایران از یکسو و در عین حال فراخواندن برای مهدویت، آخرین معضل الهیات نخواهد بود که ایشان نیاز به حل آن خواهند داشت. اما معضلات الهیات شیعه موضوع مقاله من نیست.

آقای مصباح در همین "دومین همایش دکترین مهدویت" میگوید که معتقدین به مهدویت در میان اهل تسنن هم هستند، و این تازه حدی نیست که ایشان دایره را برای شامل کردن همه مسلمانان باز کرده باشد، بلکه وی millenarianist میلناریانیست های مذاهب دیگر را هم با عدم پافشاری بر اسلام و تأکید بر مهدویت، به این حلقه دعوت میکند. آیت الله مصباح میگوید "اگر برخی از خصوصیات که ما به آن اعتقاد داریم راحذف کنیم مفهوم مهدویت گسترش پیدا می کند و دیگر اختصاص به شیعه اثنی عشری نخواهد داشت بلکه آن را می توان توسعه داد و در تمام دین ها مفهوم آن را اشاعه داشته باشیم."

چیزی که خیلی در اختتامیه آقای مصباح در همایش مهدویت جالب است اشاره ی به \*گلوبالیسم\* است و اینکه چگونه به مهدویت مرتبط میشود. این موضع مطمئناً نظرات آیت الله مصباح یزدی را از دیدگاه قرون وسطائی آیت الله های دیگر نظیر مشکینی و جنتی که در سطوح بالای قدرت در جمهوری اسلامی حضور دارند، جدا میکند.

برخی ممکن است تصور کنند که تأکید مصباح بر روی مهدویت آنها بقیمت رقیق کردن عنصر \*اسلامی\* شبیه به جنبش باب در پایان سلسله قاجار در ایران است، که به مذهب بهائی منتهی شد. واقعیت این است که این جنبش یک جنبش مخالف نظیر آنچه که باب و یا حتی فرقان در سالهای اوائل انقلاب 57 بود، نیست. این مهدویت کسانی است که هم اکنون بخشاً بر ایران حکومت میکنند، همانگونه که میلناریانیسم millenarianism استالین و هیتلر رقبایشان را در شوروی و آلمان نازی هدف میگرفت. بنابراین انترناسیونالیسم و رقیق کردن عنصر ملی یا اسلامی برای قابل پذیرش کردن آن است، نظیر کمینترن که همینگونه سعی کرد پذیرش بین المللی بدست آورد. به همین دلیل است که بشکل عجیب و غریبی این طرفداران مهدویت سعی میکنند با این ظاهر شبه مدرن حامیان گلوبالیسم را بخود جلب کنند.

اما آنچه که ناگذا آباد همه انواع میلناریانیسم millenarianism را از تحلیل علمی واقعی آینده متمایز میکند این است که آنها سعی میکنند که گذشته را در آینده بیابند، چه آنرا با عبارات مذهبی بیارایند و چه غیر مذهبی. داستان میلناریانیسم و

سیستم های استبدادی مبتنی بر آن به قدمت خود تمدن بشریت است، و نه با اسلام و شیعه شروع شده است و نه با آن پایان خواهد یافت.

آنچه که درباره خیزش تازه میلناریانیسم در جمهوری اسلامی جالب است این است که این رژیم این طریق را که میتوانست در ابتدا برگزیند، به دلیل جنگ با عراق برنگزید، و خیلی زود پس از پیروزی انقلاب به برخوردی پراگماتیستی روی آورد، و طریق پراگماتیستی را بدلیل ترس از خطر خارجی تا مدتها پس از جنگ ادامه داد.

**خاتمی با حرف زدن از اصلاحات تهدید خارجی را برای جمهوری اسلامی تقلیل داد و به این طریق در واقع خاتمی به اینکه میلناریانیست ها millenarianists بخود جرئت دهند و انقدر دیر در آخرین انتخابات رئیس جمهوری حاکمیت را بگیرند، کمک کرد، و هنوز هم در تقلیل دادن خطر خارجی برای رژیم موثر است.** این دیر آمدن را به بهترین وجه خود آیت الله مصباح یزدی بیان کرده است وقتی میگوید که برخورد پراگماتیستی 16 سال گذشته نیاز به 16 سال در آینده دارد تا که خنثی شود. البته اگر نمیخواست که آیت الله خامنه ای را ناراحت نکند، مطمئناً بجای 16 سال از عدد دیگری که وی را به ابتدای جنگ ایران و عراق برساند، استفاده میکرد. بنابراین طرفداران مهدویت در جمهوری اسلامی آن کاری را دارند میکنند که همتایانشان در رژیم هائی نظیر شوروی در اول کار کردند، و نه در آخر!

اما انجام این کار در آخر، سالوسی اینگونه مسیحان موعود را خیلی سریعتر نشان داده، و خیلی عمر حکومتشان را کوتاه خواهد کرد. بنابراین حتی اگر اصطلاحاتی نظیر اسلام فاشیستی یا اسلام کمونیستی درباره آخرین روزهای جمهوری اسلامی معنی بدهد، این کار بایستی با این درک همراه باشد که اینگونه حکومت های میلناریانیستی millenarianist، جدا از آنکه چقدر طرفدارانش بخواهند خود را نظیر ژنرالهای یک رژیم انقلابی تازه پا که از حمایت مردمی که دیگر در کنترل ندارند برخوردار است، نشان دهند، نمیتوانند در دوران سقوط اینگونه رژیم ها مدت زیادی دوام بیاورند.

هرچند مهدویان ایران حمله تازه خود در ایران را با یک سرو صدای بلند با به پیش بردن رئیس جمهوری احمدی نژاد انجام دادند، امروز به عوض خیلی \*بی سر و صدا\* مشغولند تا که نهادهای مختلف قدرت در ایران و از جمله مجلس خبرگان را تصرف کنند، و بخاطر نداشتن کادر کافی، از صفوف دوم خردادی های اسلاميون اصلاح طلب در حال بسیج نیرو هستند، و طنز آلود آنکه رهبران بازمانده دوم خرداد بیشتر و بیشتر هم آغوشی با رفسنجانی \*پراگماتیست\* را برگزیده اند.

پایان جمهوری اسلامی مدت هاست که آغاز شده است [448/http://www.ghandchi.com] <http://www.ghandchi.com> دست به دامن شدن به میلناریانیسم millenarianism در این پرده آخر علامت امید نیست، بلکه علامت ناامیدی رهبران جمهوری اسلامی در این پاندول پراگماتیسم و بینادگرایی است. راه حل برای آینده ایران در هیچ نسخه اسلامگرایی نیست، بلکه در پایان دادن به حاکمیت اسلامگرایی و آغاز یک دموکراسی سکولار آینده نگر است که به شکوفائی ایران در این عصر گلوبالیسم یاری کند.

مهدویت راه حلی در تطابق با گلوبالیسم نیست، بلکه یک واپسگرایی به گذشته برای آنهایی است که نمیتوانند ببینند که قولهای کاذب عدالت اجتماعی با لفاظی های 1400 سال پیش نمیتواند معضلات بشریت در عصر کنونی را حل کند. حتی بازگشت به راه حل های ملی و چپی قرن نوزدهم، فراخوان برای همان راه حل هائی است که حتی نتوانستند پاسخگوی عدالت اجتماعی در قرن بیستم باشند، و مدتهاست که کهنه شده اند. پاسخ برای اشتیاق به عدالت اجتماعی در قرن بیست و یکم نمیتواند در پارادیم های کهنه گذشته یافت شود [http://www.ghandchi.com/07-New\_Paradigms.htm] و تنها در جستجو برای راه های تازه که در تطابق با اقتصاد گلوبال باشند، قابل تبیین است [AlternativeIncome.htm-427/http://www.ghandchi.com].

این قابل فهم است که فردی بخواهد خود را با راه حل های آماده قابل دسترس گذشته بمثابه نوشدارویی برای دردهای امروز، تسلی دهد، اما متأسفانه این راحتی زود گذر خواهد بود و آرامش روان وقتی چندان تفاوتی در زندگی واقعی بوجود نیاورد، مایه یأس شکست خواهد شد، همانگونه که درباره قولهای آقای احمدی نژاد در نخستین روزهای دولت او نوشتیم [Utopianism.htm-340/http://www.ghandchi.com].

به امید **جمهوری آینده نگر**، فدرال، دموکراتیک، و سکولار در ایران

سام قندچی، ناشر و سردبیر  
ایرانسکوپ

<http://www.iranscope.com>

19 آبان 1385

November 10, 2006

متن مقاله به زبان انگلیسی:

<http://www.ghandchi.com/458-MahdaviatEng.htm>

**گزارش روزنامه کیهان چاپ تهران از سخنرانی اختتامیه آیت الله مصباح یزدی در دومین همایش دکترین مهدویت در**

**تاریخ 17 شهریور 1385**

<http://www.kayhannews.ir/850619/14.HTM#other1402>

"آیت الله مصباح یزدی در اختتامیه همایش دکترین مهدویت: مبارزه با ظلم و تلاش برای استقرار عدالت زمینه ساز ظهور امام عصر (عج) است. عضو خبرگان رهبری با تأکید بر اینکه برای تعجیل در ظهور منجی عالم بشریت باید موانع ظهور را برطرف کنیم، تأکید کرد: اجرای احکام اسلامی، استقرار کامل عدالت و مبارزه با کفر و ظلم مهمترین وظایف منتظران امام عصر (عج) و زمینه ساز ظهور آن حضرت است. آیت الله محمد تقی مصباح یزدی در اختتامیه دومین همایش بین المللی دکترین مهدویت بزرگ ترین عامل تعجیل در ظهور حضرت ولی عصر (عج) را مبارزه با کفر و استکبار جهانی دانست و گفت: باید باورهای دینی و آموزه های معرفتی را در کشور و تمام جهان گسترش دهیم. وی اظهار داشت: برای تعجیل در ظهور امام عصر (عج) باید عدالت، احکام اسلامی و دینی را ترویج کنیم تا مردم به آن علاقه پیدا کنند و باورهای دینی مورد قبول اجتماع قرار گیرد. آیت الله مصباح یزدی در تعریف واژه «مهدویت» گفت: مهدویت نیز یک کلمه عربی است که دوگونه استعمال می شود؛ معنای اول آن در تعریف مصدر جعلی مانند حاکمیت و عالمیت کاربرد دارد و معنای دیگر به صورت نسبت است؛ یعنی طریقه مهدویت. در معنای دوم نوعی روش مذهبی و اخلاقی به مهدویت نسبت داده می شود که نظیر آن را ما در معادل خارجی آن با عنوان ایسم داریم. وی با بیان اینکه جهانی شدن را گاهی به صورت فرضیه تصور می کنیم، گفت: یکی از مولفه های فکری مهدویت جهانی شدن است. زیرا مهدی می آید تا قسط و عدل را در جهان برپا کند. مولفه دیگر آن است که گسترش قسط و عدل توسط یک شخص، مرکز و یا دستگاه رهبری می شود. با توجه به این که عامل گسترش قسط و عدل شخص امام عصر (عج) است پس باید یک نوع مرکزیت و حکومت واحد در جهان وجود داشته باشد تا همه جهان طی یک حکومت اداره شود. آیت الله مصباح یزدی ادامه داد: مولفه دیگر جهانی شدن آن است که جهان از حالت ایزوله بودن خارج شود و یک حکومت واحد تشکیل و توسط آن حضرت اداره خواهد شد و هرگونه ظلم و جور از زمین برچیده می شود. وی با بیان این که در فرقه های دینی دیگر نیز این نکته وجود دارد که زمانی یک انسان برتری پیدا خواهد شد که یک عنصر جهانی خواهد بود، افزود: اگر برخی از خصوصیات که ما به آن اعتقاد داریم را حذف کنیم مفهوم مهدویت گسترش پیدا می کند و دیگر اختصاص به شیعه اثنی عشری نخواهد داشت بلکه آن را می توان توسعه داد و در تمام دین ها مفهوم آن را اشاعه داشته باشیم. شایان ذکر است دومین همایش بین المللی دکترین مهدویت عصر 5 شنبه 16 شهریور ماه با سخنرانی آیت الله مصباح یزدی به کار خود پایان داد."

مقالات تئوریک

<http://www.ghandchi.com>

فهرست مقالات

<http://www.ghandchi.com/SelectedArticles.html>